

عوامل اجتماعی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون

دکتر سارا محمدپور، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
محسن نایی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق؛ (نویسنده و عهده دار مکاتبات)
info@nayebi.ir

چکیده

در این تحقیق به بررسی «عوامل اجتماعی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» پرداخته شده است و سؤال اصلی تحقیق حاضر بدین ترتیب مطرح شد که به چه میزان عوامل اجتماعی در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون مؤثر است؟ روش تحقیق توصیفی از نوع زمینه‌یابی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را والدین تمامی کودکان مونث و مذکر شهر تهران که در مقطع پیش‌دبستانی قرار دارند، تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه (۳۰ نفر از شمال تهران، ۳۰ نفر جنوب، ۳۰ نفر شرق، ۳۰ نفر غرب و ۳۰ نفر مرکز) انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر پرسشنامه محقق‌ساخته عوامل اجتماعی می‌باشد که دارای ۲۸ سؤال ۵ گزینه‌ای است و با توجه به طیف لیکرت اندازه‌گیری می‌شود و دارای ضرایب بالاتر از ۰/۷۰ است. پرسشنامه حاضر در ۴ حیطه عوامل خانوادگی، اجتماعی، محیط آموزشی و رسانه بررسی می‌شود. در نهایت، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها با استفاده از مدل آماری t تک‌گروهی به آزمون سؤال‌های تحقیق پرداخته شد و یافته‌های تحقیق نشان داد که عوامل اجتماعی در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون مؤثرند.

واژگان کلیدی: عوامل اجتماعی، تأثیرپذیری، تلویزیون

مقدمه:

دنیاى امروز از فناوری های فرهنگی متعددی تأثیر پذیرفته که وسایل ارتباط جمعی از مهمترین آنهاست. بدون بررسی اثرات رسانه‌ها نمی‌توان تغییرات رفتاری مطلوب را ساماندهی کرد. تلویزیون بُعد تازه‌ای به خانواده بخشیده و آن را تبدیل به سازمانی کرده است که در آن می‌توان جهان را به تماشا نشست و خواست‌های فرهنگی خویش را ارضا کرد. در اکثر کشورهای توسعه یافته، تلویزیون وسیع‌ترین گستره مخاطبان را در میان تمام رسانه‌ها به خود اختصاص داده است. در سراسر دنیا افراد بدون توجه به منشأ ملی، نژاد، طبقه اجتماعی، جنسیت یا سن تلویزیون تماشا می‌کنند و فراوانی تماشاکنندگان زیاد است. تلویزیون از بدو تولد فرد وجود دارد و جزئی از زندگی اوست (گیربیرنر^۲، ۱۹۷۸). تلویزیون یکی از مهمترین رسانه‌های جمعی است که در برنامه‌های مختلف مانند فیلم، سریال، تبلیغات و غیره، کودکان را در نقش‌های مختلف نشان می‌دهد. شناخت تأثیر بالقوه تلویزیون بر رشد اجتماعی کودکان، در دو دهه گذشته بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بچه‌ها از طریق تلویزیون و حتی به نحوی خاص‌تر، در آگهی‌های تلویزیونی، با اطلاعاتی مواجه می‌شوند (برتل و کنتز^۳، ۲۰۰۵).

البته میزان تماشا، زمان تماشا، نوع برنامه‌های انتخابی، دلیل انتخاب و مانند آن در میان مخاطبان یکسان نیست اما آنچه به طور یکسان مشاهده می‌شود، فراگیری روزافزون تلویزیون در سراسر جهان است. در کنار روند افزایش استفاده از تلویزیون، حساسیت نسبت به تأثیرات آن نیز رشد فراگیری داشته است. تحقیقات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناسی، ارتباطات و علوم تربیتی گواه این مدعاست اما بیش از هر چیز این مطالعات روان‌شناسی بود که توانست در حوزه شناخت تأثیرات تلویزیون انقلابی به وجود آورد. بندورا در سال ۱۹۷۳ با پژوهش‌هایی در زمینه پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری هنگام مشاهده دیگران تأکید کرد و نظریه یادگیری مشاهده‌ای را مطرح ساخت. وی با توجه به نتایج مطالعات خود به انتقاد صریح از جامعه‌ای پرداخت که کودکانش الگوهای نادرست و خشنی از برنامه‌های تلویزیون دریافت می‌کنند. زمانی که بینندگان به رفتار فرد دیگری توجه می‌کنند، ممکن است دست به الگوگیری بزنند اما نکته مهم اینجاست که الگو چه زنده باشد و چه به صورت برنامه‌های مختلف تلویزیونی (فیلم، کارتون و غیره)، شدت تقلید از آن به یک اندازه است (شولتز، ۱۳۷۷).

به این ترتیب هر نوع رفتاری که از تلویزیون پخش می‌شود، ممکن است از سوی مخاطبان سرمشق واقع شود. در این راستا، مجموعه‌های خانوادگی تلویزیونی (داخلی و خارجی) از نظر رفتارهایی که والدین برای تشویق و تنبیه فرزندان خود به کار می‌گیرند، بررسی شده‌اند تا روش‌های تربیتی به نمایش درآمده که در معرض الگوگیری بینندگان قرار می‌گیرند تشخیص داده شوند. امروزه استفاده از رسانه‌های جدید به ویژه تلویزیون امری عادی شده است و برای بسیاری، روشن بودن تلویزیون، به صورت عادی روزمره درآمده است چنان که دستگاه تلویزیون جزء وسایل خانگی شده و در هر خانه‌ای علاوه بر سایر رسانه‌ها، حداقل یک دستگاه تلویزیون نیز وجود دارد. براساس پژوهشی که در مرکز تحقیقات انجام شده است، ۹۹ درصد کودکان تلویزیون، ۴۵ درصد رایانه، ۸۲ درصد ویدئو، ۱۷ درصد ماهواره، ۶۹ درصد اینترنت و ۱۷ درصد تلویزیون در اتاق شخصی خود دارند (حسینی، ۱۳۸۴).

بررسی مدت زمان تماشای تلویزیون در کشورهای جهان نیز بیانگر آن است که خردسالان و کودکان بخش عمده‌ای از وقت خود را به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند، برای مثال پژوهشی که بر روی ۵۲۷ والد دارای فرزند ۲ تا ۱۷ ساله انجام شد، نشان داد «کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۷ ساله، ۲۵ ساعت در هفته تلویزیون تماشا می‌کنند. از سوی دیگر، ۲۰ درصد از خردسالان ۲ تا ۷ ساله، ۴۶ درصد از کودکان ۸ تا ۱۲ ساله و ۵۶ درصد از نوجوانان ۱۳ تا ۱۷ ساله در اتاقشان تلویزیون اختصاصی دارند (گنتیل و والش^۴، ۲۰۰۷).

^۲ - Gerbner^۳ - Bretl & Cantor^۴ - Gentile & walsh

بدون شک، جذابیت شگرف تلویزیون برای کودکان، تأثیراتی بر این گروه به جا می‌گذارد؛ تأثیراتی که دامنه‌ای از جنبه‌های مثبت و منفی را شامل می‌شود. برخی صاحب‌نظران، جنبه‌های مثبت را مواردی مانند آشنایی با قوانین و هنجارهای اجتماعی، افزایش اطلاعات، آموزش و پُر کردن اوقات فراغت کودکان دانسته‌اند و بسیاری دیگر، تنها گسترش یادگیری خشونت را در اثر نمایش رفتارهای خشونت آمیز که با فراوانی بسیار در تلویزیون دیده می‌شود کافی می‌دانند تا نسبت به این رسانه احساس نگرانی کنند (سپاسگرشهری، ۱۳۸۶).

ابهامات گوناگونی پیرامون عوامل اجتماعی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. تلویزیون از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری افراد است. همانگونه که مطرح می‌شود، فرایند جامعه‌پذیری، از خانواده شروع شده و در این میان عوامل مؤثر دیگری همانند گروه‌های همسالان، محیط‌های آموزشی و وسایل ارتباط جمعی نیز تاثیر بسزایی دارند. در طی این فرایند، انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت او شکل می‌گیرد و ظرفیت‌های فرد در جهت انجام وظایف فردی و اجتماعی توسعه می‌یابد (اعزازی، ۱۳۸۰).

امروزه، وسایل ارتباط جمعی از جمله پدیده‌هایی هستند که بر همهٔ وجوه زندگی انسان سایه افکنده‌اند، به آن سمت-وسو داده‌اند. پژوهش‌هایی که در زمینهٔ اثرگذاری این پدیده‌ها بر مخاطبان صورت گرفته، نشان می‌دهد وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون، از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر شیوه و کیفیت زندگی فردی و گروهی افراد هستند. سلطه این ابزار به حدی است که خصوصی‌ترین تجربه‌های انسانی، از جمله هیجان‌ها و احساسات عمیق را برمی‌انگیزند و در جهت دلخواه خود هدایت می‌کنند و به این ترتیب، واکنش‌های رفتاری افراد را بر اساس اهداف و سیاست‌های خود شکل می‌دهند.

رسانه‌ها در زمینه چگونگی تربیت کودکان، اصول خانه‌داری، آموزش‌های عمومی زندگی و مانند آنها اطلاعات عملی و مفید بسیاری ارائه می‌کنند. گذشته از مسائل یاد شده، در جوامعی که پیوسته در حال تغییر و تحول هستند؛ رسانه‌ها، افکار، عقاید و نگرش‌های جدید را در میان افراد جامعه منتشر می‌کنند و با تأکید بر برخی نگرش‌ها، جنبه‌های مثبت یا منفی آنها را آشکار می‌سازند (سعدی‌پور و علی‌پور، ۱۳۸۶).

کودکان امروز همپای خانواده‌ها با تلویزیون زندگی می‌کنند، از آن می‌آموزند، با آن جامعه‌پذیر می‌شوند، در کنار تلویزیون و با همراهی آن تفریح کرده و اوقات فراغت خود را سپری می‌کنند و در تمامی این مراحل، از آن تاثیر می‌گیرند. از دیگرسو، مطابق نظریات ارتباطات جمعی که هر یک از زاویه‌ای به تبیین تاثیر رسانه بر مخاطب می‌پردازند؛ برخی همانند نظریه تزریقی، مخاطب را منفعل و بی‌سلاح می‌دانند و این مساله را مطرح می‌کنند، در صورتی که محتوا قوی و احساسی طراحی شود و از طریق کانال مناسب به مخاطب برسد تاثیر زیادی بر او خواهد گذاشت و در طرف مقابل، طرفداران نظریه‌هایی همانند استحکام و نیازجویی بر این باور هستند که کار رسانه تغییر نگرش مخاطب نیست و تنها می‌تواند نگرش و عقیده موجود او را تقویت کند. در واقع، مخاطبی که فعال است و خود دست به انتخاب می‌زند (شفقتی، ۱۳۸۷).

به نظر می‌رسد در این بین، عواملی همانند خانواده، گروه همسالان، محیط‌های آموزشی و خود رسانه نقش زیادی در تاثیرپذیری کودکان از تلویزیون دارند. عواملی که می‌توانند بازدارنده‌ی تاثیرات مخرب تلویزیون و یا تقویت کننده آن و همچنین افزایش‌دهنده تاثیرات مثبت تلویزیون و یا کاهش‌دهنده آن باشند. خانواده و والدین می‌توانند در تاثیرپذیری کودکان از تلویزیون ایفای نقش کنند و رفتار و کردار و حتی افکار کودکانشان را نسبت به تلویزیون تحت تاثیر قرار داده و جهت دهند. خانواده می‌تواند با عملکرد مناسب، جهت‌دهی درست و آموزش کودکان، بر اثرات مثبت رسانه‌ها افزوده و از اثرات منفی آن بکاهد. نقش پایگاه اجتماعی خانواده نیز از دیگر عواملی است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. تاثیر محتوای آموزشی کتاب‌های درسی و معلمان و مربیان مدرسه نیز در این تاثیرپذیری مورد توجه قرار دارد. گروه‌های همسالان و ارزش‌های حاکم بر آنان و همچنین نقش خود رسانه و به طور اخص تلویزیون، برنامه‌ها و محتوای آنها نیز در قابل بررسی می‌باشند.

در این میان، تحقیقات متعددی نیز انجام گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به تحقیقی که توسط الیسون (۲۰۰۶)، تحت عنوان «بررسی تأثیرات رفتار والدین بر میزان تماشای تلویزیون در کودکان عادی و بیش‌فعال» صورت گرفته، اشاره نمود که کودکان بیش‌فعال، بیشتر از کودکان عادی از رفتار والدین تأثیر می‌گیرند. در حالی که والدین کودکان عادی آنچنان به تماشای تلویزیون نمی‌پردازند.

همچنین، در تحقیقی که توسط گیلسون (۲۰۰۳)، تحت عنوان «بررسی رابطه میزان تماشای تلویزیون و ویژگی‌های شخصیتی کودکان» صورت گرفت، وی از سه گروه کودکان (کودکانی که زیاد از تلویزیون استفاده می‌کنند، کودکانی که از تلویزیون اصلاً استفاده نمی‌کنند و کودکانی که کم از تلویزیون استفاده می‌کنند)، استفاده نمود و نتیجه‌گیری نمود، کودکانی که زیاد از تلویزیون استفاده می‌کنند (بیشتر ساعات روز) از اختلالات رفتاری، اضطراب-افسردگی و پرخاشگری بالاتری برخوردارند.

در تحقیق دیگری که توسط بامریند با عنوان «نظارت والدین بر استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه‌های تصویری» با روش پیمایشی روی نمونه ۹۱۷ نفری از میان تمامی والدینی که دارای فرزند ۴ تا ۱۸ ساله بوده‌اند، انجام شد نتایج نشان داده که ۷۰ درصد والدین تهرانی، برای نظارت بر استفاده فرزندان‌شان از تلویزیون، به شیوه‌ای فعال عمل می‌کنند، یعنی با فرزند خود راجع به محتوای برنامه، توضیح معانی، ارزیابی انگیزه‌ها، قضاوت‌های ارزشی و تمایز بین خیال و واقعیت، به گفتگویی متقابل می‌پردازند.

با توجه به تأثیر تلویزیون به عنوان یکی از عوامل موثر در جامعه‌پذیری افراد و اینکه در عصر ارتباطات و اطلاعات بزرگراه‌های اطلاعاتی تأثیر زیادی بر مخاطبان به ویژه کودکان دارند و همانند شمشیری دو لبه توانایی این را دارند که هم با آگاهی‌دهی، آموزش دانش و اجتماعی کردن در ایجاد آینده‌ای موفق برای کودکان و نوجوانان تأثیرگذار باشند از دیگر سو می‌توانند به همین اندازه با بدآموزی، تخریب روحیات آنان، جامعه‌گریزی، مصرف‌گرایی و مواردی از این دست باعث انحطاط آینده آنان شوند. علاوه بر این، تعدد رسانه‌ها و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای لزوم توجه به کودکان و میزان تأثیرپذیری کودکان از آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

با توجه به اینکه به صفر رساندن کارکردهای منفی تلویزیون که یک رسانه ملی است امکان‌پذیر نیست، نباید نسبت به آن بی‌تفاوت بود. از این رو به نظر می‌رسد لازم است که با بررسی علمی عوامل اجتماعی موثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون و ارائه راهکارهای مناسب در این باب، گامی در جهت تأمین آرامش کودکان فعلی و اعتلای آینده آنان برداشته شود. بنابراین، مطرح می‌شود که رسانه‌های جمعی تأثیر بسیار عمیقی بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی دارند و استفاده مناسب و خلاقانه از آنها می‌تواند مانع از انفعال مخاطبان‌شان شود. تلویزیون به‌عنوان یک رسانه جمعی، به طور همزمان سه نقش اطلاع‌رسانی، سرگرم‌کنندگی و آموزش را ایفا می‌کند و به طور محسوس و نامحسوس بر اذهان عمومی تأثیر می‌گذارد (میرساردو و صداقت، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه تلویزیون در زمینه فرهنگ‌سازی و ارتقای اندیشه، رسالتی بسیار مهم بر عهده دارد و علاوه بر اینکه آشکارا اطلاعاتی را در اختیار بینندگان قرار می‌دهد، نقش عوامل محیطی مانند عوامل خانوادگی، نقش همسالان و محیط آموزشی در انتقال پیام‌هایی که از طریق تلویزیون به طور تلویحی منتقل می‌شوند، اهمیت می‌یابند؛ چرا که برنامه‌سازان قادر نیستند با این عوامل مقابله کنند اما می‌توانند با دریافت اطلاعاتی درباره چگونگی الگودهی و شناخت پیام‌های انتقالی، هنگام آرایه مدل‌ها با ظرافت بیشتری عمل کنند. درست از همین نقطه است که پژوهش‌هایی از این دست، اهمیت می‌یابند. از سوی دیگر می‌توان از ویژگی الگودهی تلویزیون استفاده کرد و تأثیرات مثبت را بنا نهاد. برای رسیدن به این مقصود، شناسایی و توصیف الگوهای آرایه شده ضروری است (مرادی عباس‌آبادی، ۱۳۸۶).

با توجه به قدرت تلویزیون در انتقال افکار، عقاید و نگرش‌ها، میزان بالای بینندگان سریال‌های تلویزیونی و نیز محدود تحقیقات انجام شده در کشور و همچنین با توجه به راهبرد دهم معاونت سیما در افق برنامه پنج ساله که تقویت و تحکیم جایگاه و مقام نهاد خانواده در فرهنگ اسلامی ایرانی و الگوسازی صحیح و مؤثر در این زمینه را یکی از وظایف

مهم صداوسیما می‌داند (افق رسانه ملی و سیما، ۱۳۸۵). پژوهش در خصوص نقش خانواده، همسالان و محیط آموزشی امری مهم و ضروری است. پژوهش حاضر در همین زمینه و به منظور ارائه راهکار به سیاست‌گذاران و برنامه‌سازان برای ترسیم تصویر مطلوب از خانواده در سریال‌ها انجام شده است. بنابراین، بررسی عوامل اجتماعی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون از اهداف برنامه‌ریزان زیربط می‌باشد؛ زیرا تماشای تلویزیون جایگزین فعالیت‌های ذهنی دیگر شده و «انفعال کودکان»، «تنبلی ذهنی» و «تشویق به رفتارهای خشن» از دلایل صاحب‌نظران برای تأثیر منفی این رسانه است (آندرسون و کولینز^۵، ۲۰۰۷).

بنابراین، با توجه به اینکه نمی‌توان نقش عوامل یاد شده را در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون نادیده گرفت، خلاء نظری پیرامون موضوع پژوهش، به‌عنوان منبع اصلی مسأله تحقیق حاضر محسوب شده و سؤال اصلی حاضر به ترتیب زیر مطرح می‌گردد: به چه میزان عوامل اجتماعی در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون مؤثر است؟

در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق، سؤالات فرعی به شرح زیر عنوان می‌شود:

آیا خانواده در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟

آیا گروه همسالان در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟

آیا رسانه در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟

آیا محیط آموزشی در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟

روش‌شناسی

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر هیچگونه متغیری از سوی پژوهشگر اعمال نشده و تنها به اثرات عوامل اجتماعی در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون پرداخته شده است، روش این تحقیق، توصیفی از نوع زمینه‌یابی بوده و تنها به بررسی وضعیت موجود بین متغیرها و ارتباط آن‌ها پرداخته می‌شود.

بنابراین جامعه آماری پژوهش حاضر را والدین تمامی کودکان مونث و مذکر شهر تهران که در مقطع پیش‌دبستانی قرار دارند، تشکیل می‌دهند. از آنجائیکه دسترسی به تمامی جامعه آماری مقدور نبوده و نمی‌توان لیستی از همه افراد را تهیه نمود، از این‌رو، جامعه آماری تحقیق در حیطه جوامع نامحدود^۶ جای می‌گیرد.

از آنجایی که به منظور برآورد حجم نمونه و نمونه‌گیری، روش‌های متفاوتی وجود دارد و اندازه نمونه از حساسیت بالایی برخوردار می‌باشد، لذا ضروری است تا از نهایت دقت استفاده به عمل آمده و مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری مدنظر قرار گیرد. بنابراین، جهت تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی سهمی مساوی^۷ استفاده شده و با تاکید بر مناطق پنجگانه شهر تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز)، از هر منطقه ۳۰ نفر (که در مجموع، ۱۵۰ نفر را شامل می‌شوند) انتخاب شدند و پرسشنامه‌های تحقیق اجرا گردید. با توجه به اینکه در تحقیقات زمینه‌یابی، تعداد ۱۲۰ نفر مکفی می‌باشد (دلاور، ۱۳۸۶)، از این‌رو، انتخاب حجم نمونه ۱۵۰ نفر در تحقیق حاضر نیز مکفی است. ابزار مورد استفاده در تحقیق حاضر، پرسشنامه محقق‌ساخته عوامل اجتماعی می‌باشد که دارای ۲۸ سؤال ۵ گزینه‌ای است و با توجه به طیف لیکرت اندازه‌گیری می‌شود. پرسشنامه حاضر در ۴ حیطه عوامل خانوادگی، اجتماعی، محیط آموزشی و رسانه بررسی می‌شود. با توجه به اینکه ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، با پیروی از مفروضه تحقیقات زمینه‌یابی که مناسب‌ترین ابزار در این تحقیقات پرسشنامه می‌باشد، جهت بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون، پرسشنامه پژوهشگرساخته مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب که با مطالعه ادبیات و پیشینه تحقیق، شاخص‌های مرتبط با عوامل مؤثر و تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون استخراج و پرسشنامه‌ای در این زمینه ساخته شد.

^۵ - Anderson & Collins

^۶ - infinite

^۷ - equal quota stratify random

پس از اینکه شاخص‌های مورد نظر استخراج گردید، به رؤیت ۱۰ نفر از متخصصین روانسنجی و کارشناسان ذریبط رسانده و مورد تایید قرار گرفت و روایی صوری، ظاهری و محتوایی پرسشنامه بدین ترتیب به دست آمد؛ جدول زیر معرف روایی محتوایی پرسشنامه تحقیق حاضر در چهار حیطه عوامل خانوادگی، اجتماعی، محیط آموزشی و رسانه است:

جدول روایی محتوایی پرسشنامه

متغیر	شماره سؤال
خانواده	۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷
همسالان	۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
رسانه	۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱
محیط آموزشی	۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸

سپس، به اجرای مقدماتی پرسشنامه‌ها بر روی تعداد ۳۰ نفر از نمونه‌های تحقیق پرداخته گردید و با استفاده از روش آلفای کرانباخ، ضریب اعتبار بالاتر از ۰/۷۰ حاصل شد. بعد از کسب روایی و اعتبار مطلوب، به اجرای نهایی پرداخته گردید. پس از اجرای نهایی پرسشنامه‌ها مجددا اعتبار پرسشنامه‌ها از طریق روش آلفای کرانباخ محاسبه و ضرایب اعتبار برای خرده‌مقیاس‌ها و اعتبار کل پرسشنامه حاصل شد؛ جدول زیر معرف ضرایب اعتبار پرسشنامه تحقیق حاضر می‌باشد:

جدول ضریب اعتبار پرسشنامه

متغیر	ضریب اعتبار
خانواده	۰/۹۳
همسالان	۰/۸۷
رسانه	۰/۷۸
محیط آموزشی	۰/۷۷
کل	۰/۸۹

با توجه به اینکه در این تحقیق به اثرات عوامل اجتماعی در تاثیرپذیری کودکان از تلویزیون پرداخته شده است و با توجه به اینکه متغیرهای مورد بررسی کمی و پیوسته بوده و در سطح اندازه‌گیری فاصله‌ای قرار دارند و با توجه به اینکه تنها با یک گروه از والدین سر و کار داشته که به نظرسنجی از آنها پرداخته شده است، از این‌رو، از مدل آماری t تک‌گروهی استفاده شده و به بررسی اثرات عوامل اجتماعی در تاثیرپذیری کودکان از تلویزیون پرداخته شده است. همچنین، به منظور مقایسه متغیرهای تحقیق در دو گروه دختران و پسران از مدل آماری t دو گروه مستقل استفاده شده است.

لازم به ذکر است، محاسبات آماری مرتبط با t تک‌گروهی و t دو گروه مستقل، پس از اطمینان از نرمال بودن توزیع متغیرها انجام گرفته است. بدین ترتیب که شاخص‌های آمار توصیفی از قبیل گرایش مرکزی (نما، میانه و میانگین)، پراکندگی (دامنه تغییرات، واریانس و انحراف معیار) و توزیع (خطای معیار، ضریب کجی و ضریب کشیدگی) محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: t تک گروهی جهت بررسی وضعیت موجود
دیدگاه والدین نسبت به «عوامل خانوادگی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	والدین نباید به بچه‌های خود اجازه دهند تا هر آنچه را که آن‌ها می‌خواهند، ببینند.	۳	۴/۱۸	۱۴/۴۹	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲	بچه‌ها هنگام تماشای تلویزیون، باید فقط آنچه را که والدینشان صلاح می‌دانند، ببینند.	۳	۴/۱۶	۱۴/۲۰	۱۴۹	۰/۰۰۱
۳	اگر والدین تصمیمی برای تماشای تلویزیون می‌گیرند، دلیل آن را برای بچه‌های خود توضیح دهند.	۳	۴/۱۷	۱۳/۶۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
۴	اگر بچه‌ها اعتراضی برای تماشای تلویزیون داشته باشند، والدین باید با صحبت آن‌ها را قانع کنند.	۳	۴/۱۳	۱۵/۰۱	۱۴۹	۰/۰۰۱
۵	والدین باید در هنگام تصمیم‌گیری برای تماشای تلویزیون، نظر بچه‌ها را نیز دخالت دهند.	۳	۴/۱۲	۱۴/۶۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
۶	والدین نباید به بچه‌ها اجازه دهند تا هر زمانی که می‌خواهند، به تماشای تلویزیون بپردازند.	۳	۴/۲۴	۱۶/۵۵	۱۴۹	۰/۰۰۱
۷	والدین باید در انتخاب تماشای برنامه‌های تلویزیون با بچه‌ها، از برنامه‌های آموزنده بهره‌مند شوند.	۳	۴/۴۲	۱۷/۵۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
کل	عوامل خانوادگی	۳	۴/۲۰	۱۷/۷۲	۱۴۹	۰/۰۰۱

با توجه به جدول فوق و با تاکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر عوامل خانوادگی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، عنوان می‌شود که از دیدگاه والدین، تأثیر عوامل خانوادگی بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

جدول شماره ۲: t تک گروهی جهت بررسی وضعیت موجود
دیدگاه والدین نسبت به «گروه همسالان موثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۸	کودکان باید به نظر همسالان خود در تماشای تلویزیون احترام بگذارند.	۳	۴/۲۴	۱۵/۲۲	۱۴۹	۰/۰۰۱
۹	کودکان باید از نقطه نظر و دیدگاه همسالان برای انتخاب برنامه‌های تلویزیونی آگاه باشند.	۳	۴/۱۰	۱۲/۶۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۰	ضروری است تا کودکان، برخی از برنامه‌های تلویزیونی را با همسالان خود تماشا کنند.	۳	۴/۰۸	۱۶/۷۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۱	شایسته است که بعد از تماشای برنامه‌های تلویزیون کودکان با همسالان خود به نقد و بررسی بپردازند.	۳	۴/۴۹	۲۸/۴۷	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۲	کودکان باید بتوانند برنامه‌های تلویزیونی متناسب را با سن خود را به همسالان خود معرفی کنند.	۳	۲/۰۸	-۱۰/۹۷	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۳	بعد از تماشای برنامه‌های تلویزیونی و بررسی دیدگاه همسالان، پیام‌های برنامه را با یکدیگر در میان بگذارند.	۳	۲/۵۶	-۴/۹۲	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۴	کودکان باید در صورت انتخاب نادرست برنامه‌ها توسط همسالان، آن‌ها را هدایت نمایند.	۳	۴/۱۴	۱۷/۹۵	۱۴۹	۰/۰۰۱
کل	گروه همسالان	۳	۳/۶۷	۱۷/۳۰	۱۴۹	۰/۰۰۱

با تاکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر گروه همسالان بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها به جز مؤلفه‌های «معرفی برنامه‌های تلویزیونی متناسب با سن همسالان» و «انتقال پیام‌های برنامه با همسالان»، میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، از دیدگاه والدین، تأثیر گروه همسالان بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است. در مؤلفه‌های مذکور، میانگین‌های تجربی از نظری پایین‌تر بوده و از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

جدول شماره ۳: t تک گروهی جهت بررسی وضعیت موجود
دیدگاه والدین نسبت به «رسانه مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱۵	رادیو به عنوان یک رسانه عمومی باید در معرفی برنامه‌های تلویزیونی نقش فعال‌تری داشته باشد.	۳	۲/۳۶	-۸/۳۴	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۶	ضروری است روزنامه‌ها و مجلات، بخشی را به عنوان تحلیل و نقد برنامه کودکان اختصاص دهند.	۳	۲/۸۴	-۱/۷۴	۱۴۹	۰/۰۸۴
۱۷	روزنامه‌های مختص کودکان با تأکید بر اهداف برنامه‌های دوره پیش‌دبستان تدوین گردد.	۳	۴/۳۸	۲۸/۸۶	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۸	بخشی از برنامه‌های رادیو، به تکرار برنامه‌های تلویزیونی مختص دوره پیش‌دبستانی اختصاص داده شود.	۳	۳/۳۱	۳/۳۹	۱۴۹	۰/۰۰۱
۱۹	مجلات ویژه‌ای برای تلویزیون تدوین گردد تا بدین وسیله برنامه‌های آموزنده در آن‌ها معرفی شوند.	۳	۱/۸۱	-۱۸/۰۳	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۰	در شبکه‌های ملی و بین‌المللی برنامه‌های ویژه‌ای با تأکید بر اهداف دوره پیش‌دبستان، گنجانده شود.	۳	۲/۵۶	-۵/۹۹	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۱	از کارشناسان علوم تربیتی و روان‌شناسان تربیتی به عنوان مشاوران برنامه‌های تلویزیونی استفاده شود.	۳	۴/۴۶	۳۰/۰۲	۱۴۹	۰/۰۰۱
کل	رسانه	۳	۳/۱۰	۳/۶۵	۱۴۹	۰/۰۰۱

با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر رسانه بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها به جز مؤلفه‌های «اختصاص بخشی از روزنامه‌ها و مجلات به تحلیل و نقد برنامه کودک»، «تدوین مجلات ویژه برای معرفی برنامه‌های آموزنده» و «برنامه‌های ویژه با تأکید بر اهداف دوره پیش-دبستانی در شبکه‌های ملی و بین‌المللی» میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، عنوان می‌شود که از دیدگاه والدین، تأثیر رسانه بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است. لازم به ذکر است که تنها در مؤلفه «اختصاص بخشی از روزنامه‌ها و مجلات به تحلیل و نقد برنامه کودک»، والدین اعتقاد دارند که تأثیر عامل فوق بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون در حد متوسط یا مورد انتظار است؛ زیرا تفاوت بین میانگین تجربی و نظری معنی‌دار نمی‌باشد.

در نهایت، در مؤلفه‌های «تدوین مجلات ویژه برای معرفی برنامه‌های آموزنده» و «برنامه‌های ویژه با تأکید بر اهداف دوره پیش‌دبستانی در شبکه‌های ملی و بین‌المللی»، میانگین‌های تجربی از نظری پایین‌تر بوده و از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

جدول شماره ۴: t تک گروهی جهت بررسی وضعیت موجود
دیدگاه والدین نسبت به «محیط آموزشی موثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون»

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۲۲	مراکز پیش‌دستانی باید در معرفی برنامه‌های آموزنده تلویزیونی به کودکان فعال باشند.	۳	۱/۶۲	-۲۳/۷۶	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۳	مربیان باید در کلاس‌های پیش‌دستانی به نمایش برنامه‌های متناسب تلویزیون بپردازند.	۳	۳/۹۱	۱۳/۶۶	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۴	مربیان باید با کودکان پیش‌دستانی در کلاس، به تجزیه و تحلیل برنامه‌های تلویزیونی بپردازند.	۳	۱/۵۸	-۲۱/۹۸	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۵	در کلاس امتیازهای ویژه‌ای برای انتخاب برنامه‌های تلویزیونی متناسب توسط کودکان، در نظر گرفته شود.	۳	۱/۹۱	-۱۵/۶۴	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۶	میزگردهایی توسط مربیان و کودکان در محیط آموزشی برگزار شده و به انتقاد برنامه‌ها بپردازند.	۳	۴/۴۹	۳۶/۴۶	۱۴۹	۰/۰۰۱
۲۷	مربیان باید هدف از تماشای برنامه‌های مورد نظر را برای کودکان توضیح دهند.	۳	۳/۱۲	۱/۲۶	۱۴۹	۰/۲۰۹
۲۸	مسئولین در مراکز پیش‌دستانی با برگزاری جلسات والدین را از برنامه‌های آموزنده تلویزیونی آگاه نمایند.	۳	۴/۳۳	۲۳/۲۷	۱۴۹	۰/۰۰۱
کل	محیط آموزشی	۳	۲/۹۹	-۰/۱۱	۱۴۹	۰/۹۱۲

با توجه به جدول فوق و با تاکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر محیط آموزشی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها به جز مؤلفه «توضیح مربیان در زمینه هدف از تماشای برنامه‌های تلویزیون»، میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، عنوان می‌شود که از دیدگاه والدین، تأثیر محیط آموزشی بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است. لازم به ذکر است که تنها در مؤلفه «توضیح مربیان در زمینه هدف از تماشای برنامه‌های تلویزیون»، والدین اعتقاد دارند که تأثیر عامل فوق بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون در حد متوسط یا مورد انتظار است؛ زیرا تفاوت بین میانگین تجربی و نظری معنی‌دار نمی‌باشد.

در نهایت، در مؤلفه‌های «فعال بودن مراکز پیش‌دستانی در زمینه معرفی برنامه‌های آموزنده»، «تجزیه و تحلیل برنامه‌های تلویزیونی در کلاس درس» و «امتیاز قائل شدن برای انتخاب برنامه‌های تلویزیونی متناسب توسط کودکان»، میانگین‌های تجربی از میانگین نظری پایین‌تر بوده و این مطلب بیانگر این است که از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

جدول شماره ۵: t تک گروهی جهت بررسی وضعیت موجود
دیدگاه والدین نسبت به «عوامل اجتماعی مؤثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون»

میانگین نظری	میانگین تجربی	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۳	۳/۴۹	۱۸/۰۱	۱۴۹	۰/۰۰۱

با تاکید بر میزان t به دست آمده، می توان مطرح نمود که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین تجربی نسبت به تأثیر عوامل اجتماعی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری می باشد، عنوان می شود که از دیدگاه والدین، تأثیر عوامل اجتماعی بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

بحث و نتیجه گیری

تلویزیون امروزه جزء جدایی ناپذیر زندگی خانواده ها و کودکان است. محیط رسانه ای پیرامون کودکان، نسبت به سال های گذشته شاهد تحولات سریع و بی سابقه ای بوده است. طیف تأثیرات بالقوه ای که رسانه ها به ویژه تلویزیون می توانند بر کودکان بگذارند با گسترده شدن برنامه های این رسانه ها وسیع تر شده است. عوامل خانوادگی و به خصوص والدین نقش بسزایی را بتوانند در این زمینه ایفا کنند؛ بدین ترتیب که اگر والدین نیز همراه با کودکان، برنامه های دلخواه آنها را تماشا کنند، در شناخت و درک تلویزیون به کودکان کمک خواهند کرد. همزمان با گسترش دامنه سرگرمی های انتخابی کودکان در منزل، نقش و مسئولیت والدین نیز در قبال فرزندشان بیشتر می شود. با افزایش فعالیت والدین، کودکان نیز در تماشای برنامه ها، هوشیارتر خواهند شد، تا آنجا که می توانند ویژگی های مثبت برنامه ها را تشخیص دهند و از پیامدهای منفی آنها در امان باشند.

والدین می توانند با تنظیم برنامه روزانه و اولویت بندی فعالیت های کودکان، بر زمان تماشای تلویزیون و حتی رسانه های دیگر مانند رایانه و بازی های ویدیویی نظارت کنند. از سوی دیگر، در ایجاد عادت مطالعه همانند سایر عادت ها، یادگیری مشاهده ای نقش اساسی دارد و والدین می توانند از طریق مطالعه کردن، عادت انجام این فعالیت را در کودکان خود ایجاد کنند. سازندگان برنامه های کودک و نوجوان نیز می توانند با ساخت برنامه هایی با هدف تشویق به مطالعه، رویکرد و نظر کودکان را نسبت به کتاب و مطالعه ارتقا دهند.

از سویی دیگر همسالان، دیگر رسانه ها (همانگونه که مطرح شد) و محیط آموزشی نیز می توانند در برنامه ریزی، تصمیم گیری و انتخاب درست برای تماشای برنامه های تلویزیون هدایت کننده باشند. از این رو، در تحقیق حاضر به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون پرداخته شده است که در این راستا علاوه بر تنظیم پرسشنامه پیرامون عوامل مؤثر و نظرسنجی از والدین، با استفاده از مدل آماری t تک گروهی، به آزمون سؤال های تحقیق پرداخته شده است که یافته های آن به شرح زیر می باشد:

سؤال اصلی: به چه میزان عوامل اجتماعی در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون مؤثر است؟ با استفاده از مدل آماری t تک گروهی به آزمون سؤال اصلی تحقیق پرداخته شد و یافته های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین تجربی نسبت به تأثیر عوامل اجتماعی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. با توجه به اینکه میانگین تجربی بالاتر از نظری می باشد، از دیدگاه والدین، تأثیر عوامل اجتماعی بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

سؤال فرعی ۱: آیا خانواده در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تاثیرگذار است؟ با استفاده از مدل آماری t تک گروهی به آزمون سؤال فوق پرداخته شد و یافته های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی داری در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین میانگین نظری با میانگین تجربی نسبت به تأثیر خانواده بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. با توجه به

اینکه میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشد، از دیدگاه والدین، تأثیر خانواده بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

سؤال فرعی ۲: آیا گروه همسالان در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟ با استفاده از مدل آماری t تک‌گروهی به آزمون سؤال فوق پرداخته شد و یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر گروه همسالان بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها، میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، از دیدگاه والدین، تأثیر گروه همسالان بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است. در حالیکه در مؤلفه‌های «معرفی برنامه‌های تلویزیونی متناسب با سن همسالان» و «انتقال پیام‌های برنامه با همسالان»، میانگین‌های تجربی از نظری پایین‌تر بوده و از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

سؤال فرعی ۳: آیا رسانه در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟ با استفاده از مدل آماری t تک‌گروهی به آزمون سؤال فوق پرداخته شد و یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر رسانه بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها میانگین‌های تجربی بالاتر از نظری می‌باشند، از دیدگاه والدین، تأثیر رسانه بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

در حالیکه در مؤلفه «اختصاص بخشی از روزنامه‌ها و مجلات به تحلیل و نقد برنامه کودک»، تأثیر عامل فوق بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون در حد متوسط یا مورد انتظار است؛ زیرا تفاوت بین میانگین تجربی و نظری معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین، در مؤلفه‌های «تدوین مجلات ویژه برای معرفی برنامه‌های آموزنده» و «برنامه‌های ویژه با تأکید بر اهداف دوره پیش‌دبستانی در شبکه‌های ملی و بین‌المللی» میانگین‌های تجربی از نظری پایین‌تر بوده و از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

سؤال فرعی ۴: آیا محیط آموزشی در میزان تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون تأثیرگذار است؟ تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha = 0/01$ بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر محیط آموزشی بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون وجود دارد. بنابراین، با توجه به اینکه در تمامی مؤلفه‌ها میانگین‌های تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشند، عنوان می‌شود که از دیدگاه والدین، تأثیر محیط آموزشی بر «تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» بالاتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

لازم به ذکر است که تنها در مؤلفه «توضیح مربیان در زمینه هدف از تماشای برنامه‌های تلویزیون»، والدین اعتقاد دارند که تأثیر عامل فوق بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون در حد متوسط یا مورد انتظار است؛ زیرا تفاوت بین میانگین تجربی و نظری معنی‌دار نمی‌باشد.

همچنین، در مؤلفه‌های «فعال بودن مراکز پیش‌دبستانی در زمینه معرفی برنامه‌های آموزنده»، «تجزیه و تحلیل برنامه‌های تلویزیونی در کلاس درس» و «امتیاز قائل شدن برای انتخاب برنامه‌های تلویزیونی متناسب توسط کودکان»، میانگین‌های تجربی از میانگین نظری پایین‌تر بوده و این مطلب بیانگر این است که از دیدگاه والدین تأثیر مؤلفه‌های فوق در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون کمتر از حد متوسط یا مورد انتظار است.

در نهایت، در راستای بررسی یافته‌های جانبی و به منظور مقایسه دیدگاه والدین دختر و پسر، از مدل آماری t دو گروه مستقل استفاده شده و یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه والدین دختر و پسر نسبت به «عوامل اجتماعی موثر در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون» وجود دارد. از این‌رو، با توجه به اینکه میانگین دیدگاه والدین پسر نسبت به تأثیر رسانه، محیط آموزشی و عوامل اجتماعی (در کل) در تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون بیشتر

از میانگین دیدگاه والدین دختر است، عنوان می‌شود که از دیدگاه والدین تأثیر رسانه، محیط آموزشی و عوامل اجتماعی بر تأثیرپذیری پسران از تلویزیون بیشتر از دختران است.

در انتها، به مقایسه یافته‌های تحقیق حاضر با پیشینه تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور پرداخته شد و مشخص شد که یافته‌های تحقیق با تحقیقات مرادی عباس‌آبادی (۱۳۸۶)، پیرامون «روش‌های تشویق و تنبیه کودکان و نوجوانان در سریال‌های خانوادگی تلویزیون»، جوادی و اقبالی (۱۳۸۶)، پیرامون «نظارت والدین بر استفاده کودکان و نوجوانان از رسانه‌های تصویری»، میرساردو صداقت (۱۳۸۶)، پیرامون «مقایسه نقش و منزلت زنان و مردان در سریال‌های تلویزیونی»، سپاسگرشهری (۱۳۸۶)، پیرامون «اثرات تلویزیون بر کودکان»، سعدی‌پور و علی‌پور (۱۳۸۶)، پیرامون «تحلیل محتوای سریال‌های تلویزیونی ایرانی از نظر روش‌های تربیتی»، الیاسی، پورنوروز و محمدی‌مهر، (۱۳۸۶)، پیرامون «بررسی نمایش خانواده در سریال‌های ایرانی»، انجدانی (۱۳۸۶)، پیرامون «کودکان، والدین و آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون»، الیسون (۲۰۰۶)، پیرامون «بررسی تأثیرات رفتار والدین بر میزان تماشای تلویزیون در کودکان عادی و بیش‌فعال» و گیلسون (۲۰۰۳)، پیرامون «بررسی رابطه میزان تماشای تلویزیون و ویژگی‌های شخصیتی کودکان» هماهنگ و همسو است؛ زیرا در تمامی تحقیقات مذکور نیز مطرح شده است که والدین، روش‌های تربیتی (که بخشی از محیط آموزشی است)، آگهی‌ها (که مرتبط با رسانه‌ها است)، بر تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون مؤثر است.

منابع

- اعزازی؛ شهلا، (۱۳۸۰)، چشمداشت‌های اجتماعی در تلویزیون، مرکز مطالعات زنان، فصلنامه پژوهش زنان.
 - حسینی؛ مریم، (۱۳۸۴)، نظرسنجی از والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۷ ساله درباره رسانه‌ها (پژوهش)، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
 - سپاسگرشهری؛ ملیحه، (۱۳۸۶)، اثرات تلویزیون بر کودکان، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال چهاردهم.
 - سعدی‌پور؛ اسماعیل، علی‌پور؛ احمد، (۱۳۸۶)، تحلیل محتوای سریال‌های تلویزیونی ایرانی از نظر روش‌های تربیتی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال چهاردهم.
 - شولتز، دوان و شولتز، سیدنی، (۱۳۷۷)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: هما.
 - مرادی عباس‌آبادی؛ فریبا، (۱۳۸۶)، روش‌های تشویق و تنبیه کودکان و نوجوانان در سریال‌های خانوادگی تلویزیون، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال چهاردهم.
 - میرساردو؛ طاهره، صداقت؛ مستوره، (۱۳۸۶)، مقایسه نقش و منزلت زنان و مردان در سریال‌های تلویزیونی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال چهاردهم.
-
- Anderson, D.R & Collins, P.A, (2007), The impact on Childrens education: Television's influence On Cognitive development education.
 - Bretl , D. J. & Cantor , j, (2005), The portrayals of men and women in U.S television commercials: Arecent content analysis and trendes over 15 years. sex ROLES, 18 (9/10).
 - Gentile, D.A. & walsh,D.A, (2007), National survery of family habits, knowledge, and Attitude.